

# شیلی در تنگنای اقتصادی



Helmut Hartmann

پروفسور نگاه علوم انسانی و مطالعات توسعه  
نوشته‌ی :  
پرتال جامع علوم انسانی  
هلموت هارتمان

ترجمه‌ی :

هوشنگ مقدسی

نخستین بار در پائیز سال ۱۹۷۰ بود که سیاستمداری  
مارکسیست از طریق انتخابات آزاد بریاست جمهوری یکی از  
کشورهای جهان غرب برگزیده شد: سالوادور آلنده درشیلی.  
امروز این کشور با بزرگترین بحران اقتصادی دست و پنجه نرم  
می‌کند؛ شیلی زیر فشار کمبود خواربار و کالاهای مصرفی حیاتی  
نفس می‌زند. تورم بیسابقه‌ئی نیز همچون خوره قدرت خرید پول  
را تحلیل می‌برد.

آیا آزمودن آلنده برای تبدیل شیلی به يك جامعه  
سوسیالیستی قرین موفقیت خواهد شد؟

سال جامع علوم انسانی

تاریک که می شود، در سانتیاگو ساعات مقاومت و اعتراض برای  
شروع تمندان آغاز می گردد. شب هنگام در بار آلتو، محله اعیان نشین  
و زیبای پایتخت شیلی پنجره ها باز می شود و از حلقوم هزاران زن  
این فریاد طنین افکن می گردد: «شیلی، آسمان تو چه نیلگون و شفاف  
است.»

زنان میهن سرود ملی را با ضرب قاشق و کارد و چنگال برتابه ها  
و قابلمه هایی که چند لحظه پیش خالی شده اند، همراهی می کنند. اعتراض  
بانوان شکم سیر شیلی به سالوادور آلنده رئیس جمهوری است و به این  
واقعیت که در مغازه ها شکر و پیاز کمیاب شده و از اواخر سپتامبر باین  
طرف نیز گوشت گاو و کره اصلا پیدا نمی شود.

دو سال پس از روی کار آمدن آلنده یک بحران اقتصادی شدید آزمایش  
آلنده را برای تبدیل شیلی از راه مسالمت آمیز به جامعه ثنی سوسیالیست  
در معرض خطر شکست قرار داده است. نرخ تورم، بیماری ای که آلنده  
و عده درمان فوری آن را داده بود، به تنهایی در نه ماه اول سال ۱۹۷۲  
به حد نصاب جدیدی رسید: ۹۹٫۸ درصد. اسکودو (واحد پول شیلی)

در خلال زمامداری آئنده دوبار تقلیل ارزش پیدا کرد و آخرین بار بمیزان پنجاه در صد، با آنکه آئنده مدعی بود که می خواهد پول شیلی را از «کاهش های ننگ آور» سلف دمکرات مسیحی خود، ادوارد فری مصون بدارد. ذخایر ارزی بانک مرکزی شیلی که در آغاز زمامداری آئنده بر ۳۷۷ میلیون دلار بالغ می گردید، اکنون بصورت اند وخته بی غم - انگیز در آمده و به ۲۵ میلیون دلار کاهش یافته است.

اختلال در امر تولید و تأمین مایحتاج ضروری مردم، نقشه آئنده را که «افزایش تولید کالاهای مصرفی مورد نیاز توده مردم» بود، فعلا نقش بر آب ساخته است، چرا که در مغازه ها نه تنها مقدار خواربار رو بکاستی است، بلکه اشیاء مورد نیاز زندگی روز مره مثل لوازم بدکسی اتوموبیل و حتی قنداق کاغذی بچه و کاغذ مستراح نیز پیدا نمی شود.

آندره سالدیوار Andres Saldivar، سیاستمدار دمکرات مسیحی و وزیر دارائی فری با طعنه گزنده ئی می گوید: «این چه سوسیالیسمی است که مردم حتی کالای صد در صد ضروری خود را در اختیار ندارند؟» سیاستمداران اقلیت (که حزب آنها بادموکرات های مسیحی آلمان تنها نام مشترکی دارد و از لحاظ موضع و روحیه سیاسی به سوسیال دموکرات های آلمان نزدیکترند) حکم خورا در باره آئنده و حکومت وی صادر کرده اند: «حکومت آئنده رنگ باخته است زیرا مارکسیسم و دمکراسی ناقص یکدیگرند».

بواقع آئنده مارکسیست بسا حکومت جبهه خلق خود که در

هیچیک از دو مجلس پارلمان شیلی از اکثریت برخوردار نیست، درین-  
بست عجیبی افتاده است .

آلنده اگر بخواهد به بر نامه خود برای تبدیل شیلی از طریق قانونی به  
یک جامعه سوسیالیست تحقق بخشد، باید تقریباً کلیه صنایع خصوصی  
و نیز تجارت را ملی کند تا تولید و توزیع کالا را زیر کنترل خود در  
آورد . لکن لایحه قانونی لازم برای ملی کردن کامل، بعلت اکثریت  
آراء مخالفان نمی تواند از مانع پارلمان بگذرد . و چنانچه برنامه ملی  
کردن را به تعویق افکند، باید حساب روزی را بکند ، که دارو دسته  
تجار و صاحبان صنایع با تکیه به موضع نیرومند خود، کشور را بدامان  
هرج و مرج اقتصادی بیندازند . روشن است که اگر کنترل تنش های  
اقتصادی از دست دولت خارج شود، پایگاه احزاب تشکیل دهنده ی دولت  
در انتخابات پارلمانی ماه مارس آینده سخت متزلزل خواهد شد .

سالدیوار سیاستمدار نامدار اقلیت وضع آلنده را به دو چرخه  
سواری تشبیه کرده است که اگر تند پا بزنند دو چرخه اش در نتیجه نیروی  
گریز از مرکز از پیچ جاده بیرون خواهد افتاد و اگر آهسته براند، آنرا  
واژگون می کند . نباید فراموش کرد که حرکت این رکاب زن بسوی  
سوسیالیسم در آغاز بسیار امید انگیز بود .

در سال اول انقلاب همه مردم بهتر از گذشته زیستند  
در پائیز سال ۱۹۷۰ که آلنده بقدرت رسید، بسا توجه به سنت  
دیرین شیلی - که در آخر هر سال تمام کارگران و کارمندان معادل کاهش  
ارزش پول، اضافه دستمزد و حقوق دریافت می کنند - دستمزدها و

حقوق ها را بطور متوسط ۳۵ در صد بالا برد . آئنده به رسم دولتهای گذشته شبلی که دست روی دست می گذاشتند و اجازه می دادند تا صاحبان موسسه ها این اضافه دستمزد و حقوق را بلافاصله با افزایش قیمت ها عملا خنثی کنند، پشت کرد و بعوض آن دستور توقف حرکت صعودی قیمت ها را داد. هدف این بود که افزایش دستمزد از یک سو به بهای کاهش عواید موسسه ها تمام شود (اولین اقدام در جهت تعدیل تقسیم درآمدها) و از سوی دیگر مقرر بود که صاحبان موسسه ها، چنانچه بخواهند مثل گذشته سود ببرند، از راه تولید بیشتر بدان دست یابند (نخستین گام در راه بهره برداری بهتر از تأسیسات موجود).

از آنجا که آئنده در ماههای اول زمامداری خود در کار ملی کردن شتابی بخرج نداد، صاحبان صنایع نیز در بدو امر واکنشی ساز-گار با بازار کردند، بدین معنا که به تولید افزودند : در ۱۹۷۱ جمع تولیدات صنعتی تقریباً ۱۵ در صد بالا رفت . در نتیجه تولید ناخالص ملی واقعاً بمیزان ۸۰۵ در صد ترقی کرد و این نرخ در مقایسه با زمان حکومت فری، سلف دمکرات مسیحی آئنده، بیسابقه بود . این رشد محسوس رقم بیکاری را بنحوی چشم گیر کاهش داد. نرخ بیکاری - بر-طبق محاسبات کارل ها ینز استانزیک سرپرست موسسه تحقیقاتی امریکای لاتین، ایلدیس ، که شعبه بنیاد فریدریش ابرت در سانتیاگو است - از ۸ درصد به ۳٫۲ درصد نزول کرد.

آئنده باین موفقیت رضان داد، بلکه شروع کرده احداث ساختمانهای جدید، آنهم در محله زاغه نشینان که تا آن وقت صد ها هزار نفر در

آلونک‌های چوبی بدون برق و آب آن می‌لولیدند. با این برنامه نیز امکانات تازه‌ئی برای اشتغال بیکاران بوجود آمد.

رقم مرگ و میر کودکان نیز در نخستین سال زمامداری آلوده از ۱۰۹ در هزار به ۸۸٫۱ در هزار تقلیل یافت. در همین زمان تعداد معاینات پزشکی سرویس ملی بهداشت از ۸٫۹ میلیون به ۱۰٫۲ میلیون رسید. بهبود تقسیم غیر عادلانه در آمدها نیز در جهت پیشرفت در زمینه سیاست رشد و بهداشت بود.

بموجب آمار موسسه ایلدیس در سال اول انقلاب، سهم دستمزد (بخش درآمدهای حاصله از کار در درآمد ملی) از ۵۳٫۷ درصد به ۵۸٫۶ درصد رسید. بموازت آن سهم عواید (بهره، منفعت و سود سهام) در درآمد ملی از ۴۶٫۳ درصد به ۴۱٫۴ تنزل یافت. البته همین تحول مثبت نیز در مقایسه با تقسیم در آمد در آلمان فدرال (که آنهم چندان ایده آل نیست: سهم دستمزد ۶۹ درصد و سهم عواید ۳۱ درصد) منعکس کننده نحوه بسیار عادلانه‌ی تقسیم درآمدهاست.

این بود که یک دیپلمات روسی در سانتیاگو اقرار کرد: «چگونه می‌توان تصورش را کرد که شیلی در این آزمایش کامیاب شود و در زمانی چنین کوتاه بصورت یک کشور سوسیالیست در آید، در حالی که ما حتی پس از ۵۰ سال هنوز نتوانسته‌ایم به آن برسیم.»

تقریباً تا اواخر سال گذشته در شیلی شرایطی حکمفرما بود که برای بسیاری غیر منتظره می‌نمود:

در سال اول حکومت آلوده وضع همه مردم بهتر از پیش بود.

آنها که قبل از آئنده از بیکاری در عذاب بودند، کار داشتند و کارگران روز-  
مزد اکنون از بهبود در آمد خود در شغف بودند. بینوایان زاغه نشین  
برای نخستین بار قادر بودند يك تکه گوشت گاو و يك شلوار نو و در  
بعضی موارد حتی يك صندلی - ولو ساده و کم بها - خریداری کنند.  
ما شاهد يك محاصره اقتصادی بوسیله خارجیان هستیم  
اما انقلاب که برای هر کسی يك هدیه آسمانی بود، دیری نپائید.  
آئنده برای پروار کردن اقتصاد شیلی از مغز استخوان آن استفاده کرده  
بود، آری بهای واقعی این تغییر مطلوب مکتوم مانده بود.

سالوادر آئنده برای آنکه حتی المقدور رعایت حال همه را کرده  
باشد و میزان عرضه کالا را با تقاضای افزاینده منطبق سازد، در سال اول  
زاممداریش واردات را در مقایسه با سال ۱۹۷۰ بمیزان ۲۲٫۹ درصد (به ارزش  
کل ۱٫۱۶۵ میلیارد دلار) بالا برد. او به تنهایی برای خواربار با ارزش مثل،  
گندم آرژانتین و طیور بلژیک، ۳۱۳٫۷ میلیون دلار پرداخت که تقریباً ۲  
برابر سال پیش بود.

بانك مرکزی شیلی نیز با دست و دل بازی هفتاد میلیون دلار برای  
ثروتمندان شیلی تصویب کرد تا بعنوان پول جیبی در مسافرتهاى پرخرج  
خود به اروپا و امریکا بمصرف رسانند. اما برای واردات ماشین آلات،  
مهمترین شرط رشد اقتصادی آئنده، فقط ۱۳۹ میلیون دلار اختصاص  
داده شد، یعنی ۳۰٫۵ درصد کمتر از سال قبل.

این بود که هنوز يك سال تمام از دوران زاممداری آئنده نگذشته،  
صندوق ذخایر شیلی که روزی پر بود، ته کشید. در تراز نامه پرداختی  
کشور شکافی عمیق - ۲۵۵ میلیون دلار - ایجاد شد. و کارشناسان تخمین



می‌زنند که در سال جاری کسری ترازنامه پرداختی شیلی حتی به‌رقم هول‌انگیز ۴۰۰ میلیون دلار برسد. نقصان ذخایر ارزی شیلی بخصوص از آن جهت تأثیر بسیار شومی دارد، که امیدی به جبران آن نمی‌رود. البته باید اقرار کرد که این نابسامانی ارزی فقط گناه آینده نیست. بهای مس، مهمترین سرچشمهٔ ارز شیلی (قریب ۸۵ درصد در آمد صادراتی این کشور از فروش مس حاصل می‌شود) بعلت و فور این کالا در بازار جهانی، امروزه فقط ۴۷ سنت در ازاء يك پوند است. در بهترین روزهای حکومت فری هر پوند مس به ۶۹ سنت معامله می‌شد. سقوط بهای مس در بازار جهانی حتی بمیزان يك در صد در ازاء هر پوند، در آمد ارزی شیلی را سالانه ۱۱ میلیون دلار کاهش می‌دهد.

اخیراً حتی خودآلنده نیزچندان اطمینانی به این منبع مهم در آمد ندارد. در نتیجه فشار شرکت آمریکائی Kennecot Copper Corp. (که معدن مس Elteniente متعلق به آن را آلنده در تابستان گذشته بدون پرداخت غرامت ملی کرده بود) يك دادگاه فرانسوی حکم ضبط محمولات يك کشتی حامل مس شیلی برای فرانسه را صادر کرد. همزمان با آن امریکائیان تهدید کردند که علیه تمام خریداران فلز این معدن که مالکیت آن بناحق از آنان سلب شده، اقدامات مشابهی بعمل خواهند آورد. بعد از این واقعه آلنده وحشت زده گفت: «حالا دیگر فروش مس ما را نیز ممنوع ساخته‌اند». بعلاوه چشمهٔ اعتبارات مهم ممالک غرب که در دوران حکومت دمکراتهای مسیحی شیلی را سیر آب می‌کرد خشک شد؛ این امر نوعی ضربه انتقامی بود علیه ملی کردن معادن مس آمریکا و بانکهای خارجی، که حکومت آلنده از همان ابتدای روی کار آمدن نقشه آنرا داشت. شیلی در سال ۱۹۷۱

از موسسه‌های بین‌المللی فقط ۵۵ میلیون دلار دریافت کرد در حالیکه رژیم نظامی برزیل در همین فاصله زمانی دست کم ۴۵۶ میلیون دلار بدست آورد. بانک جهانی در واشنگتن - بریاست رابرت مک نامارا وزیر دفاع کندی و جانسون - و هم چنین بانک عمران ممالک امریکائی حتی از پرداخت وامهائی که وعده داده بودند، سر باز زدند.

آلنده می‌کوشید مشکلاتی را که بقول وی ملت قادر به درکشان نیست، با این گفته توضیح دهد: «ما شاهد زنده یک محاصره اقتصادی از جانب بیگانگان هستیم».

از همه اینها که بگذریم حکومت آلنده سخت به ممالک خارجی بدهکار است: قروض دولتهای قبلی شیلی. درست است که Afonso Inostroza، رئیس بانک مرکزی شیلی در آوریل امسال در کنفرانس طلبکاران در پاریس موفق شد، برای باز پرداخت وامهای شیلی - قریب ۳ میلیارد دلار - در سه سال آینده شرایط مساعد تری دست و پا کند، اما کشور روی تنها در سال جاری باید ۲۵۰ میلیون دلار از قروض خود را مستهلك سازد.

وضع در جبهه داخلی نیز مثل تجارت دشوار است. در اکتبر سال گذشته عرضه کالا که به سرعت بالا رفته بود، رو به کاهش نهاد. در ابتدا صاحبان موسسه‌ها به این امید که یخبندان قیمت‌ها بزودی از حدت خواهد افتاد، تولید را بالا بردند. اما وقتی دیدند Qeoueo Vuskovic وزیر اقتصاد پیشین شیلی فقط به تغییرات جزئی دل خوش کرده و هم چنان به حفظ ثبات قیمت‌ها مصمم است، از سرمایه - گذاری‌های بعدی دست شستند.

باید ادعان کرد که از دیدگاه صاحبان موسسه‌ها این واکنش قابل درک بود، زیرا آنها آینده شیلی را سیاه می‌دیدند. Oho Zeman Simon، صاحب يك کارخانه معتبر مبل سازی در سانتیاگو می‌گفت: «خدایم دانند که دولت از من سلب مالکیت خواهد کرد یانه».

اما از نقطه نظر اقتصادی این امساك در سرمایه گذاری عواقب وحشتناکی داشت. در سال ۱۹۷۱ سرمایه‌گذارهای خصوصی تقریباً ۱۶ درصد کاهش یافت و پولهایی که بوسیله صاحبان موسسه‌ها سرمایه گذاری نمی‌شد یا قربانی مصرف‌افزاینده می‌گردید و یا بدلات تبدیل میشد. در نتیجه بالا گرفتن موج جدید تقاضا، قیمت‌ها در بازارهای سیاه که یکی پس از دیگری بوجود می‌آمد، ترقی کرد: يك شورت ساخت شیلی که در آغاز زمامداری آلنده بقیمت ۸۰ هزار اسکودو و بفروش می‌رسید، امروزه - اگر اصولاً یافت شود - کمتر از ۸۰۰ هزار اسکودو دست یافتنی نیست.

ثروتمندان با پول‌های کلان خود مغازه‌ها را از کالا خالی می‌کردند

بزودی کالاهای مصرفی با ارزش در مغازه‌ها کمیاب شد، زیرا صاحبان موسسه‌ها پولهای کلانی را که از سرمایه گذاری در بیخ کرده بودند، با خود بمغازه‌ها بردند و هر چه جنس بود خریداری کردند.

اولین کالائی که کمیاب شد، شراب مرغوب بود. با آنکه ذخایر شراب در مواقع عادی قادر به فرو نشانیدن عطش تمام مردم شیلی بود،

لکن ترس از اینکه روزی این سرچشمه بخشکد، باعث شد که بزودی فقط شراب متوسط دهاتی در سوپر مارکت ها عرضه شود. در مورد کفش نیز وضع بهتر از این نبود؛ اوایل اوت وقتی شایع شد که کفش کمیاب خواهد شد، اغنیا از ویلاهای خود به کفاشی ها هجوم بردند و آنقدر کفش خریدند که عملاً کفش بصورت يك كالای نادر درآمد.

این بیماری کم کم به تمام اقلام خواربار سرایت کرد. در Antafogosta، شهری در شمال و صاحب یکی از بنادر بزرگ ماهیگیری شیلی، او اخر ماه سپتامبر يك جماعت چند صد نفری بر سر محموله ماهی يك قایق بجان یکدیگر افتادند و کار را بجائی رساندند که دو مأمور پلیس مداخله کردند و فروش این کمیاب را در مغازه امکان پذیر ساختند.

Juan Enrique eojas، رئیس گروه سوپر مارکت های تعاونی Unicoor در در سانتیاگو ناله اش بلند شد: «در گذشته ۲۶۰۰ تا ۲۸۰۰ قلم کالا عرضه می کردیم ولی حالا بیش از ۶۰۰ رقم جنس برای فروش نداریم». وضع صنایع نساجی کشور که واقعاً آسفناك شده است، خریداران برخی پارچه های نخی و پشمی در صورتی به كالای مطلوب خود خواهند رسید که به صف منتظران جلوی فروشگاههای کارخانجات نساجی به پیوندند.

**مابدواً باید واقعیات برگشت ناپذیری بوجود آوریم**

خرده پیشه وران در این اثنافن و فوت سرمایه اندوزی از کمبود کالا را بخوبی آموخته اند. ساعت سه بعد از نیمه شب جلوی در کارخانهها

صف می کشند، سهم سرانه خود را خریداری می کنند، با سود ۳۰ درصد در سانتیاگو بفروش می رسانند و آنگاه دوباره به صف منتظران می پیوندند. معلوم است کسی که بتعداد بیشتر جلوی کارخانه نوبت بگیرد، عایدی بیشتری هم خواهد داشت. این سیستم اکنون چنان تکمیل شده که برخی از پشه و ران اصلا دست از کار و کسب معمولی خود شسته اند. آنها در صف منتظران نوبت می گیرند و نوبت خود را می فروشند!! ممکن است آئنده این جنون خرید طبقه مرفه را - که اکنون یکسال از آن می گذرد - صرفاً بعنوان واکنشی از جانب بورژوازی عاصی و عصبی از سیاست اصلاحات تلقی کرده باشد ولی رفتار کشاورزان حومه سانتیاگو را چگونه می تواند تعبیر کند، افرادی که واقعاً ضربه سختی به وی وارد کردند!

این خرده دهقانان که از دیرباز خواربار پایتخت را تأمین می کنند، اواخر سال پیش ناگهان دیگر حاضر به تحویل برخی از محصولات خود نبودند. در این مورد گناهکار واقعی Vuskovic وزیر اقتصاد پیشین شیلی است با برنامه هائی که برای قیمت ها ریخت، کشاورزان دریافتند که اگر بعوض شیر - که بهای نازلی برای آن تعیین شده بود - پنیر و یا خامه به بازار تحویل دهند، در آمد بیشتری خواهند داشت. از آنجائیکه قیمت گوشت خوک نیز امیدوار کننده بود، کشاورزان بهتر آن دیدند که شیر را به این چارپای گوشت ساز بخورانند، تا به کودکان فقیر سانتیاگو برسانند. آئنده ناگزیر شد کسری شیر را از خارج تأمین کند؛ وارداتی که بنوبه خود بیلان پرداختی کشور را هر سال به مبلغ ۴۵ میلیون دلار می فرساید.

با اینهمه برنامه نادرست قیمت‌ها بدو تغییر نکرده، چرا که دولت سخت سرگرم برنامه ملی کردن بود. کارلوس ماتوس Carlos Matus وزیر اقتصاد کنونی آلمنده در توضیح این سیاست می‌گوید: «ما اول بساید واقعیات برگشت نا پذیری بوجود آوریم».

با آنکه آلمنده در پارلمان موفق شد طرح‌های خود را در مورد ملی کردن معادن مهم کشور - مس، آهن، نیترات آلسی - و بانکها بر مبنای قانونی استوار سازد، لکن در زمینه سوسیالیزه کردن - قانونی بادامنه وسیع‌تر - اقلیت آراء خود را از وی دریغ کرد.

آلمنده برای آنکه علی‌رغم این ناکامی، موسسه‌های دیگری را زیر کنترل دولت در آورد، از قانونی، متعلق به سالهای ۱۹۳۰ مدد گرفت. این قانون ضبط واحدهای اقتصادی را تحت شرایط معینی مجاز می‌دارد. دولت با صدور فرمان مخصوصی می‌تواند برای يك موسسه و یا تجارت خانه قیم دولتی تعیین کند.

کارگاه تولیدی یا واحد اقتصادی که بوسیله قیم دولت سرپرستی شود، ظاهر آدر مالکیت خصوصی صاحب خود باقی میماند، لکن در عمل با ورود کمیسر دولتی به يك واحد اقتصادی، مؤسسه منظور جز عمایملک دولت می‌شود، زیرا نماینده دولت از کلیه حقوق و اختیارات يك مدیر - کل برخوردار است. دولت آلمنده برای اعزام کمیسر به واحدهای اقتصادی دلایل کافی در دست داشت: بی‌کفایتی مدیریت، عدم بهره برداری از ظرفیت کامل تولید و اختلاف میان مدیران و کارگران. در پاره‌ئی موارد

۱ - در پایان مقاله مصاحبه کارلوس ماتوس با خبرنگار مجله آلمانی

اشپیگل بنظر شما می‌رسد.

اشغال کارگاه بوسیله کارگران باعث بروز اینگونه اختلافات می‌شد. دولت تا به امروز بیش از ۳۰ واحد اقتصادی بزرگ را از این راهزیر کنترل خود در آورده است.

دمکراتهای مسیحی مخالف آینده برای پایان دادن به اینگونه ملی کردن بدون دخالت پارلمان، حزب آینده را مجبور کردند که اوایل سال گذشته یک لایحه قانونی به مجلس تقدیم کند. دولت در این لایحه دقیقاً بیان می‌کرد که:

الف: در آینده چه عرصه‌هایی از اقتصاد کشور را تحت کنترل خود در خواهد آورد.

ب: چه بخش‌هایی را بصورت مختلط (دولتی - خصوصی) اداره خواهد کرد.

پ: چه نوع موسسه‌هایی بطور کامل در مالکیت صاحبان خود باقی خواهد ماند.

پس از زور آزمائی‌های چند ماهه در پارلمان، سرانجام آینده لیستی از ۹۱ «موسسه انحصاری» ارائه کرد. او معتقد بود که این موسسه‌های انحصاری باید ملی شوند. دمکراتهای مسیحی که قبلاً قوانین مربوط به ملی کردن بانکها و معادن را تأیید کرده بودند، در ابتدا حاضر شدند از این لایحه نیز پشتیبانی کنند، ولی نه بی قید و شرط.

آنها موافقت خود را به دو شرط منوط کردند:

الف: آینده نام بزرگترین کارخانه کاغذ سازی شیلی را که در عین حال یگانه تحویل دهنده کاغذ روزنامه بود، از این لیست حذف کند.

ب: دولت از ملی کردن کامل ۹۰ مؤسسه باقیمانده صر فنظر نماید و بجای آن قسمتی از موسسه های مهم را - از روی الگوی یوگسلاوی - بنوعی تحت سرپرستی خود کارگران قرار دهد. بنظر آینده - که نگاهش بدور نمای قانون سوسیالیزه کردن خیره شده بود، قانونی که بدون حمایت دمکراتهای مسیحی نمی توانست از سد پارلمان عبور کند - بهائی که رقیب مطالبه می کرد، چندان گران نیامد. این بود که روی نام کارخانه کاغذ سازی قلم کشید ولی لایحه اش در مورد سوسیالیزه کردن، در دهلیزهای پیچ در پیچ پارلمان سرگردان شد.

ماجرا از اینقرار بود: هنگامیکه آینده با دمکراتهای مسیحی چانه می زد، اقلیت دست راستی توانست با بکار بردن نیرنگ های سیاسی در پارلمان، این لایحه را به رأی گذارد و رئیس دولت در این رای گیری باشکستی تازه روبرو شد، زیرا در آن لحظه مذاکرات آینده با حزب دمکرات مسیحی خاتمه نیافته بود.

پس از آن دولت به سیاست قیمت ها روی آورد.

برای پایان دادن به مشکلات اقتصادی مضحك ولی دست و پاگیر - مخالفت خرده دهقانان با تحویل برخی از فرآورده های کشاورزی و جنون خرید نرتمندان - آینده ناگزیز بود یا مقررات جیره بندی وضع کند و یا به تماشای صعود قیمت ها بنشیند.

جیره بندی - که در چنین وضعی شاید علاقلانه ترین تدبیر باشد - بدلائل سیاسی نمی توانست مطرح باشد. آینده هرگز مایل نبود نخستین رئیس جمهوری شبلی باشد که کدبانوها را با کارت جیره بندی به بازار



بفرستند . این کار موقع حزب اورا در انتخابات ماه مارس حتماً تضعیف می کرد .

### تورم تهیدستان را بیشتر در فشار گذاشت

آلنده باتفاق ماتوس وزیر اقتصاد جدید شیلی تصمیم گرفت ، قیمت ها را با میزان افزایش تقاضا در ماههای اوت و سپتامبر منطبق سازد . آنها می دانستند که این تدبیر شرایط را برای تورم مساعد تر می سازد، لکن معتقد بودند که تا مارس همه مردم آنرا فراموش خواهند کرد . اوایل ماه اوت که سیاست اقتصادی جدیدی بمرحله اجرا درآمد، قیمت ها با سرعت سرسام آوری ترقی کردند . ثبات نسبی ارزش پول، که دولت یکسال و نیم تمام بخاطر حفظ آن عرق ریخته بود ، از میان رفت و تورم کامل جانشین آن شد .

از اوت سال ۱۹۷۰ - ماه آخر حکومت فری - تا اواخر امسال بهای کره بمیزان ۱۴۵ درصد ، شیر بمیزان ۲۶۱ درصد ، سیب زمینی ۳۰۰ درصد، تخم مرغ ۳۱۰ درصد، پنیر ۶۴۰ درصد و کاهوحتی ۱۰۴۲ درصد افزایش پیدا کرد . ترقی شگفت انگیز قیمت ها عرصه را بیشتر بر آن قشرهایی تنگ کرد که آلنده به بهبود روزگار آنها کمر بسته بود . حرکت صعودی قیمت ها طبقه فقیر و کم درآمد شیلی را سخت پریشان کرد .

دستمزد حداقل - منبع اعاشه ۲۰ تا ۲۵ درصد افراد شاغل شیلی - که دولت آنرا ضمانت کرده بود، از اوت سال ۱۹۷۰ تا اوت امسال از ۶۱۷/۴۱ اسکودو به ۱۰۱۶/۹۶ اسکودو و ارتقاء داده شد، یعنی بمیزان

۶۴/۷۱ درصد که رقمی معادل ۱۶۰ تومان می‌شود. اما در همین فاصله زمانی قیمت خواربار در حدود ۱۰۸/۱ درصد بالا رفت.

دولت برای تسکین آلام این طبقات در بهار امسال بتمام کارگران ۷۰۰ اسکو دو بلاعوض اعطا کرد. او آخر سپتامبر نیز ۵۰۰ اسکو دو بهر کارگر پرداخت شد تا بوسیله آنها تا حدودی جبران تورم شده باشد.

از آن گذشته وزیر اقتصاد اعلام کرد که در آینده سهمیه مربوط به تورم را بعوض سالی یکبار هر ۴ ماه یکبار پرداخت خواهد کرد.

جز این دولت در نظر دارد در واحدهای صنعتی دولتی و موسسات مختلط «دولتی - خصوصی» بسته‌های خواربار بین کارگران توزیع کند تا فروش کالا بقیمت‌های گزاف را - که فقط در توانائی ثروتمندان است - ریشه کن سازد.

رئیس جمهوری چندی پیش طی نطقی در یکی از شهرهای جنوبی کشور حتی صحبت از «سیاست اقتصادی زمان جنگ» بمیان آورد.

آلنده گفت: «هدف ما از ایجاد این سیاست شدید ولی عادلانه آنست که طبقه مرفه‌الحال را مجبور کنیم به گذشته‌های بیشتری تن در دهد.»

آلنده وعده داد که روزهای آینده جزئیات سیاست اقتصادی جدید را به اطلاع مردم برساند.

او آخر ماه اوت تمام گوشت فروشان، نانوائی‌ها، خرازی فروشان، توزیع کنندگان و فروشندگان شیر و عطاری‌های سانیاگو - روبهم ۱۳۰ هزار مغازه دار - بعنوان اعتراض به اینکه بار اصلی برنامه‌های اصلاحی آلنده بردوش آنهاست، دست به يك اعتصاب يك روزه زدند. در آن زمان آلنده با اعلام وضع فوق‌العاده باین اعتصاب پاسخ گفت.

سه روز بعد وقتی که مقررات وضع فوق العاده لغو گردید، نوبت به دانش آموزان و دانش جویان مخالف دولت رسید. آنها در مرکز شهر سانتیاگو اجتماع کردند و با اینکار از مغازه داران معترض پشتیبانی نمودند. دانش جویان با افروختن آتش و پرتاب سنگ هر روز با پلیس نزاع می پرداختند. این کشمکش هنگامی خاتمه یافت که در دومین هفته ماه سپتامبر یکی از اعتراض کنندگان بضراب نارنجك گاز اشك آور پلیس از پای درآمد.

### شیفت های فوق العاده در مراکز چاپ اسکناس

پیروان آینده نیز بیکار نشستند. روز چهار سپتامبر، که مصادف با دومین سالگرد انتخاب آینده بریاست جمهوری شیلی بود، نزدیک به هفتصد هزار کارگر در مرکز شهر سانتیاگو گرد آمدند تا بنفع آینده و حزب او دست بتظاهراتی بزنند.

کارگران باشعار «آلنده، آلنده، ملت پشتیبان تو است» به ساکنان منفور محله اعیان نشین باریو آلتو نشان دادند که سوسیالیسم را علیرغم افزایش نرخ تورم گرانها می دانند. انسانی مطالبات مردمی

بدنبال این رویدادها (که شدیدترین روز در روثی هوا داران و مخالفان حزب آینده در پایتخت شیلی بود) شایعات مربوط به ساقط کردن حکومت - که دولت و اقلیت هر دو بازیرکی آن را دهان به دهان نقل می کردند - قوت گرفت. اقلیت مدعی بود که دست چپی های افراطی می خواهند بزور اسلحه به محله اعیان نشین پایتخت هجوم برند. از طرف دیگر گروه های وفادار به دولت ابراز نگرانی می کردند که دارودسته مخالفان با کمک بیگانگان (از جمله آلمان غربی) نقشه سر-

نگون ساختن حکومت آینده را ریخته‌اند .

مسلم اینکه تا برگزاری انتخابات مارس آینده و حکومت وی حتی بدون کودتا نیز روزهای بسیار دشواری را در پیش دارند . در ماه مارس کلیه نمایندگان مجلس شورا ونیمی از اعضاء سنا باید از نوانتخاب شوند . چنانچه حزب آینده- که از ابتدا نیز اکثریتی نداشت- کرسی‌های جدیدی به اقلیت ببازد ، آنگاه فقط با حمایت دموکراتهای مسیحی اصلاح طلب خواهد توانست تا پایان دوران ریاست جمهوری خود (۱۹۷۶) به حکومت ادامه دهد. لکن او تنها در صورتی می‌تواند به مساعدت دموکراتهای مسیحی دل خوش کند که موفق شود هرج و مرج اقتصادی را پایان بخشد .

درست است که تولید صنعتی شبلی باوجود این آشوب اقتصادی درسال جاری نیز ترقی کرد لکن این رشد صنعتی بیشتر نتیجه بهره‌برداری بهتر از ظرفیت تأسیسات موجود بود تا سرمایه گذاریهای تازه و بهمین جهت دورنمای رشد واقعی نمی‌تواند چندان خیال‌انگیز باشد .

عامل اقتصادی نگران‌کننده دیگر ، افزایش شدید هزینه تولید بسویژه در موسسه‌های تحت کنترل دولت است ؛ پای قیم دولتی بهر موسسه‌ئی که رسید بفکر دوستانش افتاد، لیست حقوق بگیران راطولانی ساخت و در نتیجه خرجهای بیهوده را بیشتر کرد .

این نوع ظریف پارتی بازی وبه نان آب رساندن دوست و آشنا را مصرف کننده - که درواقع ازبالارفتن قیمت محصولات می‌باید زود متوجه قضایا می‌شد - در نیافت بلکه وزارت دارائی بود که بنحوی دردناک آن را احساس کرد، چرا که ناگزیر به جبران کسری حاصله در

موسسه‌های دولتی بود. بنا بر آمار انجمن دولتی توسعه (Corpo) ۱۱۳  
موسسه دولتی شیلی ۲۳/۵ میلیارد اسکودو زیان کرده‌اند. این کسری‌ها  
با اعتباراتی که وزیر دارائی (که خود يك پدیده ویژه امریکای لاتین  
است) ماهانه و معمولاً بی هیچگونه تعمق و تأمل وبدون دریافت تعهدی  
در مورد بازپرداخت آنها، می‌پردازد، موازنه می‌شوند! پول نقد لازم  
برای پرداخت این اعتبارات بوسیله بانک اسکناس تأمین می‌شود که بنوبه  
خود فقط به چاپخانه‌اش دستور انتشار اسکناس جدید را می‌دهد.

در نتیجه این روش شگفت آور، مقدار پول در گردش در نخستین سال  
حکومت آلنده قریب ۱۱۶/۵ درصد بیشتر شد. پیش‌بینی می‌کنند که این  
رقم در سال ۱۹۷۲ کاستی که نگیرد هیچ، فزونی نیز پیدا کند.

بیرکت ساعات کار اضافی چاپخانه ناشر اسکناس، پولهایی که  
توریست‌ها از بانکهای دولتی دریافت می‌کنند (هر توریست باید روزانه  
۱۰ دلار تبدیل کند) بقدری نواست که حتی اسکناس‌های آجری رنگ  
۵۰۰ اسکودوئی - بزرگترین واحد پول شیلی که به نرخ دولتی معادل  
۸۵ تومان ارزش دارد - بهم می‌چسبند. *و مطالبات فرنگی*

سیاح خارجی هر قدر هم بی توجه و سربهوا باشد، بالاخره هنگام  
پرواز از شیلی پی به ارزش واقعی این پول می‌برد: يك شیشه نیم بطری  
آبجوی معمولی که در هتل شرایتون سانتیاگو ۱۵ اسکودو قیمت داشت،  
پس از استارت جت شرکت هوائی ایبریا به يك صد اسکودو معامله  
می‌شود.

تولید در معادن مس دولتی درست نقطه مقابل سرعت تورم است.  
درست است که معادن دولتی در سال گذشته رو بهم ۵۷۱ هزار تن مس

۳۶- هزار تن و یا ۷ درصد بیش از سال ۱۹۷۰ - تولید کردند اما بعقیده کارشناسان میزان افزایش تولید با احتساب سرمایه گذاریهای کلان قبل از حکومت آئنده دست کم باید ۲۰ درصد باشد .

در معادن مس شمال شیلی - بزرگترین معادن جهان - مقدار مس استخراجی پس از ملی کردن این شاخه صنعتی حتی تنزل هم پیدا کرد . در اینجا در نیمسال اول ۱۹۷۱ - ۶ ماه قبل از ملی شدن - ۱۴۲ هزار تن مس بدست آمد، در حالیکه مقدار مس تولیدی در ۶ ماه اول سال جاری از ۱۲۰ هزار تن بالاتر نرفت . داوید زیل برمان، مدیر عامل این معادن، مشکلات فنی را علل این نقصان تولید می داند :

سنگ مس یکی از معادن، مثل سنگهای قبلی بر حاصل نیست . استفاده از اسیدسولفوریک - کاتالیزر لازم برای احیاء سنگ مس - با دشواریهای روبروست و از این حرفها .

اعتصاب به بهای چهارده هزار تن مس تمام شد

در واقع قسمت اعظم کاهش تولید در معدن Chuquicamata نتیجه ناسازگاری اکثریت ۹ هزار کارگر این معدن با آئنده است . در ژوئیه سال قبل که این معدن بتصاحب دولت در آمد، اولین کار آئنده این بود که روی در آمد ۵۵۰ مهندسی که بدلا ر حقوق می گرفتند ، قلم بکشد . او در عین حال تأکید کرد که بین کارگران شیلی نباید نورچشمی وجود داشته باشد . لکن کارگران معدن این اقدام را نوعی تجاوز مستقیم به در آمد خود دانستند . بواقع در آمد يك کارگر متخصص این معدن با احتساب کلیه اضافات ماهانه به ۱۷ هزار اسکودومی رسد، که هفده برابر در آمد يك کارگر کشاورزی است . این در آمد حتی در مقایسه با در آمد

يك كارگر متخصص پاي تخت با كيفيت و ارزش مشابه (۵۰۰۰ اسكودو) نيز رقم دلخوش كننده است. لکن با در نظر گرفتن شرايط شاق كار و زندگي در زیر زمین (در برخی موارد تا عمق سه هزار متری) شاید چندان زیاد نباشد.

این بود که وقتی رئیس دولت در ماه مه تقاضای کارگران Chuquicamata را در مورد ۵۰ درصد اضافه دستمزد رد کرد، کارگران - که سالهاست به دمکراتهای مسیحی متمایل تراند - دست از کار کشیدند. ضرر ناشی از این اعتصاب: ۱۴ هزار تن مس. تولید از این معدن با اهمیت بکار دیگر نیز مختل شد و آن هنگامی بود که ۶۰۰ کارگر معدن بعلت اختلاف بر سر دستمزد اعتصاب کردند زیر فرمان. رئیس معدن که برخلاف کارگران، عضو حزب کمونیست شیلی است، گفت: «در اینجا هنوز کاملاً به این واقعیت پی نبرده اند که امروزه برخلاف سابق عواید حاصله از تولید مس بمصرف بهبود وضع تمام کارگران شیلی می رسد.

رفرم ارضی (که بهنگام زمامداری فری، سلف دمکرات مسیحی آینده آغاز گردید و خلف سوشیالیست او با اشتیاق و تحرك فراوان به انجامش رساند) نیز مقرر بود به بهبود وضع زندگي مردم شیلی کمک کند. اما واقع امر جز این است، چرا که تولید در املاک ملی شده زمین - داران بزرگ قدیم کاهش یافته، هر چند دولت خلاف آنرا مدعی است. غیر از گوشت گاو و گندم، امروزه فرآورده هائی که روزگاری در شیلی بیش از احتیاج مردم بدست می آمد کمیاب شده است. مثلاً پیاز از جمله محصولات است که شیلی تاچندی قبل حتی مقداری از آنرا به همسایگان خود می فروخت، در حالیکه اخیراً برای تأمین نیاز مندیهای خود از

اسپانیا پیاز وارد می کند .

مهمترین علت کاهش تولید : بموجب قانون رفرفم ارضی که متعلق به دوره زمامداری ادوارد فری می باشد، زمین داران قدیم پس از ملی کردن نیز اجازه داشتند ۸۰ هکتار زمین باضافه کلیه ماشین آلات کشاورزی، دام و بذر، همچنان در تصاحب خود داشته باشند . در حال حاضر کشاورزانی که در زمین های دولتی اسکان یافته اند بیش از هر چیز از کمبود سرمایه صنعتی در عذابند .

لوئیز کوروآلان ، رئیس حزب کمونیست شیلی و نیرومندترین متحد ائتلافی آئنده با این سخنان از او انتقاد می کند: «دولت راه صحیح افزایش تولید و صرفه جویی در عوامل تولید ( راسیونالیزاسیون ) را هنوز پیدا نکرده است » .

در واحدهای دولتی در روستا، الکلیسم، غیبت غیرموجه از محل کار و فروش غیرقانونی مواد غذایی کمیاب و مورد نیاز در بازار سیاه سخت رواج دارد .

هفته گذشته همه چیز حکایت از این می کرد که بحران شیلی رو بخامت می رود :

دهها هزارتن از اعضاء طبقه متوسط، کارگران و جوانان طی يك « راه پیمایی بخاطر دمکراسی » در خیابانهای سانتیاگو صدای اعتراض خود را بگوش آئنده رساندند . ۸۰ کارگر وزارت کار را اشغال کردند و پلیس با بکار بردن گاز اشک آور توانست متفرقشان کند . رانندگان کامیونها نیز همگی دست از کار کشیدند . روز چهارشنبه آئنده در دو ایالت کشور وضع فوق العاده اعلام کرد .



ماتوس وزیر اقتصاد آینده می‌کوشید با این کلمات اعتراض  
کنندگان را از جوش و خروش بپندازد: « بهنگام انقلاب فرانسه نیز  
کسی نمی‌پرسید که آیا غذای شکم سیر کن برای همه مردم پیدا می‌شود  
یا نه » .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

گفتگوی خبرنگار مجله اشپیگل با کارلوس ماتوس  
وزیر اقتصاد شیلی

س - آقای ماتوس، اکنون که دو سال از زمامداری آینده می -  
گذرد، اقتصاد شیلی با بحران سختی روبرو است. آیا بدین ترتیب  
آزمایش کشور شما برای تحقق سوسیالیسم از راه مسالمت آمیز به شکست  
گرائیده است؟

پ - چنانچه ضوابط اقتصادی متعارف را ملاک قرار دهیم، ما  
واقعاً با بحرانی روبرو هستیم. فی المثل اگر دولت سابق در این تنگنای  
اقتصادی امروز ما گرفتار میشد، حتماً تا بحال از نفس افتاده بود.

س - چرا این امر در مورد دولت آینده صدق نمی کند؟

ج - اگر ما بتوانیم ثابت کنیم که این فراگرد بازگشت ناپذیر شده  
است، آنگاه می توانیم بدون آنکه شکست بخوریم به يك بحران تن  
دردهیم. از آنجائیکه ما واقعیات بازگشت ناپذیری بوجود آورده ایم،  
مشکلات زودگذر نمیتواند آسیبی ب ما برساند.

س - این واقعیات بازگشت ناپذیر کدامند؟

ج - برای نمونه بگویم ، ملی کردن معادن ، سوسیالیزه کردن صنایع مهم ، اصلاحات ارضی ، سهم گرداندن کارگران در تصمیم‌های موسسه‌ها و در تمام اقدامات مهم دولت. اینها واقعیاتی است که زمامداری دمکراتهای مسیحی و یا حزب ناسیونال را غیر ممکن می‌سازد . شاید نحوه حکومت ما نیز بی‌اشتباه نباشد ، ولی بهرحال ما تنها نیروهائی هستیم که قادر به اداره کشوراند .

س - آیا يك حکومت جبهه خلق می‌تواند برخی واقعیات اقتصادی را نادیده بگیرد ؟ مثلا وضع اسفناك ترازنامه پرداختی کشور ، تورم نابود کننده ، کاهش تولید در معادن مس ، تقلیل ارزش اسکودو ، بی‌اعتمادی و امیدهندگان خارجی و یانارسانی در امر تأمین کالاهای مصرفی و کالاهای سرمایه‌گذاری مورد نیاز بازار و . . .

ج - در عمل آنچه شما برشمردید ، عرصه را بر دولت تنگ می‌کند و همه ما را به فداکاری و گذشت ناگزیر می‌سازد . اما همین مشکلات در عین حال موجب تسریع جریان دگرگونی می‌گردد ، زیرا کارگران را تیز بین‌تر می‌کند و آگاهی سیاسی آنان را ارتقاء دهد . به عنوان نمونه بدنیست افزایش قیمت‌ها را در زمان اخیر مورد توجه قرار دهیم . برخلاف تمام پیش‌بینی‌ها و پیش‌گوئی‌های سیاسی ، افزایش قیمت کارگران را بیش از گذشته با دولت متحد ساخت .

س - می‌خواهید بگوئید از وقتی که بهای شیر بمیزان ۲۶۱ در صد ، پنیر بمیزان ۶۴۰ درصد و تخم مرغ بمیزان ۳۱۰ درصد ترقی کرده کارگران احساس پیوستگی شدیدتری با دولت می‌کنند ؟

ج - من از شما دعوت می‌کنم به هر واحد ملی شده‌ئی که دل‌تان

می‌خواهد بروید و از خود کارگران سوال کنید. من از عقاید کارگران شیلی باخبرم زیرا دائماً با آنها در تماس هستم.

س - برای چه مدت می‌توانید به پشتیبانی کارگران تکیه کنید. آیا واقعاً معتقدید که کارگران تا مدتی طولانی تن به تورمی چنین بی‌بندوبار خواهند داد؟

ج - بله، زیرا امروزه وضع کارگران خیلی بهتر از دو سال پیش است.

س - واقعاً؟

ج - در دو سالی که ما مصدر کار هستیم ۳۰۰ هزار فرصت جدید اشتغال بوجود آورده‌ایم. از آن گذشته قدرت خرید واقعی کارگراکنون در حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد بیشتر از گذشته است.

س - فکر می‌کنید چه تعداد از ۳۰۰ هزار کارگر جدید واقعاً در عرصه‌های تولیدی فعال هستند و چقدر از آنها کارشان فقط درازتر کردن لیست دستمزد واحد هائی است که تولیدشان اصولاً مقرون به صرفه نمی‌باشد؟

*شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

ج - اعتراف می‌کنم که کار عده‌ای از ایشان آن طور که باید و شاید تولیدی نیست. اما فراگردی نظیر آنچه که در کشور ما صورت می‌گیرد چیزی نیست که بتوان آنرا فقط با ضوابط کارائی سنجید. در جنگ دوم جهانی نیز هنگامی که بمب افکن‌های متفقین برلین را در هم می‌کوفتند، انسان نمی‌توانست وضع آلمان را با ضوابط کارائی صنعتی بسنجد. از انسانی که در دوزخ بمباران گرفتار آمده نمی‌توان انتظار کارائی زیادی داشت.

س - چه کسی امروز در شیلی بمب می اندازد ؟  
ج - اکنون از همه طرف ما را بمباران می کنند، مخالفان در داخل  
و خارج کشور ما را به آتش کشیده اند .

س - آقای ماتوس، برنامه شما برای شفای اقتصاد بیمار شیلی  
چگونه است. مثلاً برای ترمیم ترانزنامه پرداختی شیلی چه تدبیری اندیشیده اید؟  
ج - در دو سال نیم آینده ما باید در مصرف امساک کنیم و متحمل  
فروض جدیدی بشویم . من برای ملت توضیح داده ام که دیگر توانائی  
وارد کردن گوشت گاو را نداریم . مامی خواهیم از این راه سالانه در حدود  
۹۰ میلیون دلار صرفه جوئی کنیم . ما از این ببعده کره نیز وارد نخواهیم  
کرد بلکه به مارگارین قناعت خواهیم نمود . بی علت نیست که بمن  
لقب «وزیر مارگارین» داده اند . صرفه جوئی در مصرف کره نیز ۸ میلیون  
دلار دیگر از مخارج ما خواهد کاست . هرگاه مقدار شیر وارداتی را نیز  
در خود کشور تولید کنیم - که جزء برنامه است - آنگاه ۳۰ میلیون  
دلار دیگر نیز اندوخته ایم . ملاحظه می کنید: آنچه شما مسئله می خوانید  
ما راه حل می دانیم .

س - تصور می کنید کشورهای خارجی نیز با اعطای اعتبارات جدید  
به راه حل شما ارج خواهند گذارد ؟

ج - حتماً . ما هم اکنون براحتی اعتباراتی برای خرید ماشین -  
آلات و تجهیزات صنعتی از فرانسه، انگلستان، اسپانیا، ممالک سوسیالیست،  
اطریش، ایتالیا، هند و سوئیس دریافت می کنیم .

س - آلمان غربی سهمی در این کمک ها ندارد؟

ج - نه . ولی ما هنوز هم چشم انتظار کمک آلمان هستیم . در

نظرداریم برای راسیونالیزاسیون (صرفه جوئی در عوامل تولید) صنایع  
نساجی کشورمان از آلمان ماشین آلاتی خریداری کنیم و امیدواریم که  
آلمانها در این مورد از کمک به کشور ما دریغ نکنند .



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله جامع علوم انسانی